

هموارسازی سود

فرایند اندازه‌گیری سود و نتیجه آن نقش مهمی در اداره شرکت دارد و معمولاً کاربران صورت‌های مالی اهمیت زیادی برای آن قائلند. از آنجا که محاسبه سود بنگاه اقتصادی متأثر از روش‌های برآوردی حسابداری است و تهیه صورت‌های مالی به عهده‌ی مدیریت واحد تجاری است، ممکن است بنا به دلایل مختلف، مدیریت اقدام به مدیریت سود نماید (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷).

به نظر کوپلند^۱ (۱۹۶۸) هموارسازی سود عبارت است از کاهش تغییرات سالیانه سود با انتقال سود در سال‌هایی که سود زیاد است به سال‌هایی که سود کم است (استولوی و گی‌تان ۲۰۰۰، ۲). به عقیده بیدلمن^۳ (۱۹۷۳) هموارسازی سود عبارت است از کاهش آگاهانه نوسانات سود به سطحی که برای شرکت عادی به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر هموارسازی سود تلاش مدیریت برای کاهش نوسانات غیرعادی سود است که در محدوده خط مشی‌های اصول حسابداری و مدیریت منطقی باشد (علامه حائری و همکاران، ۱۳۸۰).

تعاریف ارائه شده از هموارسازی سود متنوع می‌باشد به گونه‌ای که هر محقق با توجه به روش مورد استفاده جهت هموارسازی سود تعریفی ارائه داده است. بارنثا و همکاران^۴ (۱۹۷۶) هموارسازی سود را کاهش عمدی نوسانات سود در چارچوب اصول حسابداری به حدی که برای شرکت‌ها عادی به نظر برسد می‌دانند. بیدلمن (۱۹۷۳) هموارسازی سود را تلاش اعمال شده توسط مدیریت جهت کاهش تغییرات غیرعادی در سود و در قالب اصول حسابداری می‌داند.

هر دو تعریف ارائه شده در بالا بر دستکاری سود بر اساس سود سنوات



هموارسازی سود



نقد شونددگی سهام

دکتر ناصر ایزدی نیا

استادیار گروه حسابداری دانشگاه اصفهان

علی اصغر رضایی

کارشناس ارشد حسابداری از دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

یکی از عواملی که در انتخاب هر سرمایه‌گذاری از بین گزینه‌های مختلف سرمایه‌گذاری مد نظر است، نقدشوندگی این گزینه‌ها است. متأسفانه وجود عواملی که باعث کاهش نقدشوندگی سهام در بازار شده‌اند، سبب شده که اقبال عمومی سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه رفته رفته کاهش یافته و سیر قهقراپی دلسردکننده‌ای را به همراه داشته باشد. اکثر سرمایه‌گذاران (با افق سرمایه‌گذاری کوتاه مدت) سهام بسیار نقدشونده را بر سهام کم نقدشونده ترجیح می‌دهند. یکی از عوامل کاهش دهنده نقدشوندگی سهام، هموارسازی سود می‌باشد. نتایج برخی از پژوهش‌های صورت گرفته بیانگر آن است که هموارسازی سود سبب کاهش نقدشوندگی سهام می‌گردد. در این مقاله هموارسازی سود، نقدشوندگی سهام و ارتباط آن‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد.

گذشته تاکید دارند به گونه‌ای که بازدهی غیرعادی کاهش یافته و سود گزارش شده با سود مورد انتظار یکی گردد.

میچلسون و همکاران^۵ (۱۹۹۵) هموارسازی سود را منتج از دو نوع هموارسازی طبیعی و هموارسازی ساختگی می‌دانند. هموارسازی ساختگی که دقیقاً همان تعریف ارائه شده در بالا است ناشی از روش‌های تعهدی اختیاری به منظور دستکاری سود است. در حالی که هموارسازی طبیعی بیانگر مدیریت اعمال شده جهت سازماندهی به رویدادهای اقتصادی می‌باشد.

یافته‌های هیورث^۶ (۱۹۵۳) بیانگر این است که هموارسازی سود هماهنگ نمودن آگاهانه

سود جهت رسیدن به روند مورد نظر می‌باشد. این تعریف که جامع‌ترین تعریف از هموارسازی سود می‌باشد، تمامی جنبه‌های مدیریت سود را در بر می‌گیرد.

هدف مدیر در تصمیم‌گیری خود نسبت به هموارسازی سود، حداکثر کردن ارزش فعلی جریان وجه نقد متعلق به سهامداران بدون توجه به اثر آن بر قیمت جاری سهام شرکت می‌باشد و به طور کلی مدیر برای کاهش واریانس سود اقتصادی از نقطه نظر مدعیان به هموارسازی سود می‌پردازد که باعث افزایش ارزش شرکت می‌شود (میچلسون و همکاران ۲۰۰۰، ۷).

نقدشوندگی سهام

اکثر سرمایه‌گذاران (با افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت) سهام بسیار نقدشونده را بر سهام

کم‌نقدشونده ترجیح می‌دهند. منظور از نقدشوندگی سهام، صرفاً سهولت در خرید و فروش دارایی مورد نظر است (ایزدی نیا و رسائیان، ۱۳۸۸). از مهم‌ترین عوامل مربوط به نقدشوندگی بازار سهام می‌توان به اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام^۷ اشاره کرد. اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان یکی از اجزای ساختار بازار، اخیراً از اهمیت ویژه‌ای در ادبیات مالی برخوردار شده است. اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام از معیارهای مهم نقدشوندگی بازار سرمایه محسوب می‌گردد. بسیاری از تحقیقات از اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان معیار نقدشوندگی استفاده کرده‌اند. نیاز به درک و اندازه‌گیری عوامل تعیین‌کننده اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش معامله‌گران در ارزیابی ساختار بازار رقابتی بسیار ضروری می‌باشد (رسائیان، ۱۳۸۷).

قیمتی که یک معامله‌گر برای خرید



اوراق بهادار پیشنهاد می‌کند را قیمت پیشنهادی خرید و قیمتی که برای فروش اوراق بهادار پیشنهاد می‌کند را قیمت پیشنهادی فروش اوراق بهادار می‌گویند. اختلاف بین این دو قیمت پیشنهادی نیز اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش اوراق بهادار نامیده می‌شود. معامله سهام زمانی اتفاق می‌افتد که خریدار و فروشنده در نقطه‌ای بین قیمت پیشنهادی خرید و قیمت پیشنهادی فروش به توافق برسند. این نقطه را قیمت تعادلی یا قیمت توافقی می‌گویند (احمدپور و رسائیان، الف). هرچه اختلاف یا فاصله‌ی قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام کمتر باشد، خریدار و فروشنده زودتر به قیمت تعادلی می‌رسند و حجم معاملات سهام افزایش می‌یابد. این امر منجر به افزایش نقدشوندگی بازار سهام می‌گردد (احمدپور و رسائیان، ۱۳۸۹).

ارتباط بین هموارسازی سود و نقدشوندگی سهام

هموارسازی سود به وسیله‌ی همبستگی قابل پیش بینی با انگیزه‌ها و موانع برای مدیریت سود پدیدار می‌شود. در این پژوهش به بررسی تاثیر هموارسازی سود بر روی معاملات سهامداران شرکت پرداخته می‌شود. به طور مشخص اگر وجود هموارسازی سود سبب ایجاد ابهام گردد، بر روی انگیزه سرمایه‌گذاران جهت معامله و تجارت تاثیر می‌گذارد. به طور معمول، شواهد و تجربیات اظهار می‌دارند که شرکت‌ها با درجه بالای هموارسازی سود، نقدشوندگی پایینی را تجربه می‌کنند که در افزایش اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام منعکس می‌گردد.

حال سوال مهم این است که چرا مدیران هموارسازی سود انجام می‌دهند اگر هموارسازی سود تاثیر منفی بر

روی انگیزه سرمایه‌گذاران جهت سرمایه‌گذاری را در بر خواهد داشت؟ در برخی از موارد هموارسازی سود ممکن است به دلیل ایجاد ابهام توسط مدیریت برای سود و منفعت شخصی صورت گیرد.

به هر حال این نکته قابل توجه است که هموارسازی سود حتی اگر انگیزه سرمایه‌گذاران جهت انجام معاملات را کاهش می‌دهد، ممکن است برای شرکت مطلوب باشد. به طور مثال در برخی از کشورها سرمایه‌گذاران نهادی نسبت به سایر سهامداران از اهمیت بیشتری برخوردار هستند و ممکن است سبب خلق انگیزه برای هموارسازی سود گردند. به طور مشابه شرکت‌ها ممکن است به دلیل کاهش ریسک و جذب نرخ پایین بهره برای بدهی‌ها، کاهش مالیات و یا کاهش هزینه‌های سیاسی هموارسازی سود انجام دهند.

لسموند^۹ (۲۰۰۵) بیان می‌دارد که چنانچه راجع به کفایت اطلاعات موجود در خصوص داد و ستد و معامله آن‌ها نگرانی وجود داشته باشد معامله گران در انجام معامله درنگ می‌کنند و این امر موجب افزایش اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام می‌گردد.

هاو و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۴) ارتباط بین اقلام تعهدی اختیاری و شکاف بین نظارت بر حقوق و گردش وجوه نقد را برای نمونه اروپایی و آسیای شرقی آزمایش کردند. در کل آن‌ها یک ارتباط غیر منتظره منفی بین اقلام تعهدی اختیاری و شکاف بین حقوق نظارت و گردش وجوه نقد یافتند.

کیفیت سود بالا منجر به افزایش نقدشوندگی سهام و کاهش هزینه سرمایه می‌گردد. مدل‌های تئوریک به کار گرفته شده در تحقیقات دیاموند^{۱۱} (۱۹۸۵) و دیاموند و ورچیا^{۱۲} (۱۹۹۱)

بیانگر این موضوع است که کیفیت افشای اطلاعات شرکت سبب کاهش عدم تقارن اطلاعات در بازار سرمایه می‌گردد. افزایش کیفیت سود نیز منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعات در مورد سهام شرکت و در نتیجه افزایش نقدشوندگی سهام می‌گردد.

ایزلی و اوهارا^{۱۳} (۲۰۰۴) نشان دادند که کیفیت سود با عدم تقارن اطلاعاتی رابطه منفی دارد. کیفیت سود پایین منجر به افزایش عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. ایزلی و اوهارا در تحقیق خود از اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به عنوان معیار عدم تقارن اطلاعاتی استفاده کردند. بیشتر بودن اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام به معنای عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر است. هاوس و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۷) نشان دادند که عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از کیفیت ضعیف سود، ریسک انتخاب نادرست سهام را برای فراهم کنندگان نقدینگی افزایش می‌دهد و در نتیجه این مسأله سبب کاهش نقدشوندگی بازار سهام می‌شود.

بتاچاریا و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۸) به بررسی رابطه کیفیت سود و نقدشوندگی سهام شرکت‌های بورس اوراق بهادار نیویورک و بورس نزدک در دوره زمانی ۲۰۰۵-۱۹۹۸ پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که پایین بودن کیفیت سود باعث افزایش عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه کاهش نقدشوندگی سهام می‌گردد.

ایزدی‌نیا و رسائیان (۱۳۸۸) به بررسی وجود رابطه معنی‌دار بین کیفیت سود و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام پرداختند. به منظور آزمون فرضیه‌ها از تکنیک آماری رگرسیون دو متغیره، روش تأثیرات ثابت با استفاده از داده‌های پانل بهره گرفتند. نمونه انتخابی شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده

در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی، سال‌های بین ۱۳۸۵ و ۱۳۸۱ می‌باشد. نتایج تحقیق بیانگر آنست که تقریباً ۲۷ درصد تغییرات در اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، توسط تغییر در کیفیت سود توضیح داده می‌شود.

هاشمی و رسائیان (۱۳۸۸) رابطه‌ی اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، معیارهای حاکمیت شرکتی، اندازه شرکت، سودآوری و فرصت‌های رشد به عنوان متغیرهای مستقل و سیاست تقسیم سود به عنوان متغیر وابسته را مورد بررسی قرار دادند.

بدین منظور تعداد ۱۱۶ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی قلمرو زمانی ۱۳۸۱-۱۳۸۶ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردیدند. به منظور آزمون فرضیه‌ها از تکنیک آماری رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شد. نتایج پژوهش بیانگر آنست که بین اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، کیفیت حاکمیت شرکتی، اندازه شرکت و فرصت‌های رشد و سیاست تقسیم

سود شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. سودآوری با سیاست تقسیم سود شرکت‌ها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

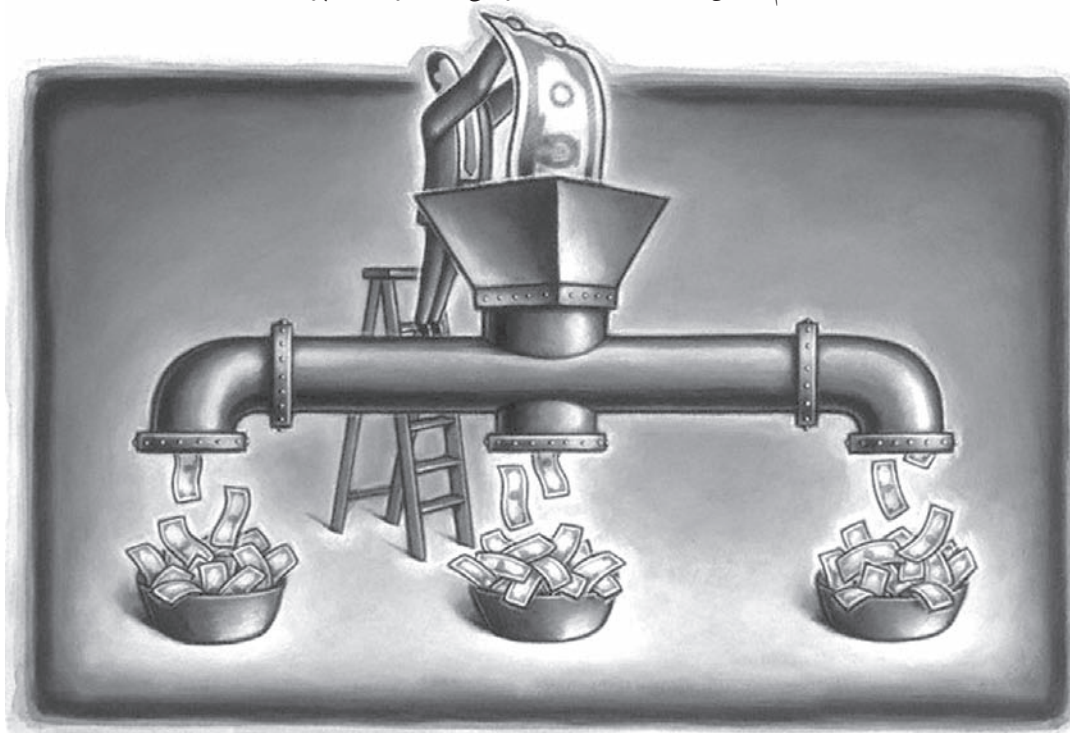
نوروش و حسینی (۱۳۸۷) در تحقیق با استفاده از داده‌های تاریخی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۱ مربوط به ۵۱ شرکت پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین کیفیت افشای شرکتی (شامل قابلیت اتکا و به موقع بودن) و مدیریت سود پرداختند. از آنجایی که بهبود کیفیت افشای شرکتی باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات می‌گردد و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، مدیریت سود کمتر را به همراه دارد، فرض اصلی این پژوهش آن است که بهبود کیفیت افشای شرکتی با مدیریت سود رابطه منفی دارد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری کیفیت افشا از دو معیار به موقع بودن و قابلیت اتکا استفاده گردید و مدیریت سود شرکت‌ها با استفاده از مدل تعدیل شده جونز برآورد گردید. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین کیفیت افشای شرکتی و مدیریت

سود رابطه منفی معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از وجود رابطه منفی معنادار بین به موقع بودن افشای شرکتی و مدیریت سود می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مطالب ارائه شده در قسمت‌های قبلی بیانگر ارتباط بین هموارسازی سود و نقدشوندگی می‌باشد. بنابراین با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان با پیاده‌سازی راهکارهای مناسب در جهت کاهش هموارسازی سود، نقدشوندگی سهام را افزایش داد.

با توجه به مباحث قبلی، انجام پژوهش‌هایی با استفاده از معیارهای نقدشوندگی سهام نظیر اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام می‌تواند روشنگر ارتباط بین هموارسازی سود و نقدشوندگی سهام باشد. به این منظور پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌هایی به بررسی رابطه هموارسازی سود و نقدشوندگی در بورس اوراق بهادار تهران و در صنایع مختلف آن با استفاده از روش‌های ریاضی و آماری مختلف پرداخته شود.



منابع

The Role of Management", The Accounting Review, Vol.48, No.4, PP.653-667.

12- Bhattacharya, N; Desai, H and Kumar Venkataraman, (2008). Earnings Quality and Information Asymmetry : Evidence from Trading Costs, available at ssrn.com

13- Copeland, R. M. (1968), "Income Smoothing" Journal of Accounting Research, Vol.6, No.3, PP.101-116.

14- Diamond, D., R. Verrecchia, (1991). Disclosure, Liquidity and the Cost of Capital, Journal of Finance 46, 1325-1359.

15- Diamond, M. (1985), Optimal Releases of Information by Firms, Journal of Finance, 40, 1071-1094.

16- Easley, D. and M. O'Hara. (2004). Information and the cost of capital. Journal of Finance 59 (4), 1553-1583.

17- Haw, I., Hu, B., Hwang, L., Wu, W., 2004. Ultimate Ownership, Income Management and Extra-Legal Institutions. Journal of Accounting Research 42: 423-462.

18- Hepworth, S. R. (1953), "Smoothing Periodic Income", The Accounting Review, Vol. 28, No.1, PP.32-39.

19- Hughes, J., J. Liu, and J. Liu. (2007). Information asymmetry, diversification and cost of capital. The Accounting Review 82, 705-729.

20- Lesmond, D. 2005. Liquidity of Emerging Markets. Forthcoming Journal of Financial Economics. 77: 411-452.

21- Michelson, Stuart E, James Jordan Wanger and Charles Wootton. (1995), "A Market Based Analysis of Income Smoothing", Journal of Business, Finance & Accounting, Vol.22, No.8, PP.58-109.

22- Michelson, Stuart E, James Jordan Wanger and Charles Wootton. (2000), "The Relationship between the Smoothing of Reported Income and Risk-adjusted Returns", Journal of Economics and Finance, Vol. 24, No.2, PP.108-115.

23- Ronen, J. and S. Sadan, 1981, Smoothing Income Number: Objectives Means, and Implications. Addison-Wesley Publishing Company.

24- Stolowy Herve and Gaetan Breton, (2000). "A Framework for classification of Accounts manipulations"

۱- احمدپور، احمد و امیر رسائیان، ۱۳۸۹. "بررسی رابطه اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام با نوسانات بازده سهام و ارزش بازار شرکت در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی وزارت دارایی.

۲- احمدپور، احمد و امیر رسائیان، ۱۳۸۵، الف. "رابطه اطلاعات مالی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام"، نامه اقتصادی مفید، سال دوازدهم، شماره ۵۷، صص. ۴۸-۲۹.

۳- ایزدی نیا، ناصر و امیر رسائیان، ۱۳۸۸. "اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و کیفیت سود در ایران"، فصلنامه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره پیاپی ۵۱، صص. ۱۵۴-۱۲۷.

۴- رسائیان، امیر، (۱۳۸۷). اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، عاملی برای نقدشوندگی بازار سهام، ماهنامه حسابداری، صص. ۸۴-۸۰.

۵- احمدپور، احمد و امیر رسائیان، ۱۳۸۵، الف. "رابطه اطلاعات مالی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام"، نامه اقتصادی مفید، سال دوازدهم، شماره ۵۷، صص. ۴۸-۲۹.

۶- علامه حائری، فریدالدین و حمیدرضا وکیلی فرد (۱۳۸۰). بررسی میزان ارتباط بین هموارسازی سود و ثروت سهامداران (ارزش سهام در بازار اوراق بهادار)، فصلنامه اقتصاد و مدیریت.

۷- نوروش، ایرج و سید علی حسینی (۱۳۸۷). "بررسی بین کیفیت افشا و مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، صص. ۱۳۴ - ۱۱۷

۸- ولی زاده لاریجانی، زهرا (۱۳۸۷). "نتایج مدیریت واقعی سود"، نتایج مدیریت واقعی سود، پایان نامه، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد دانشگاه الزهرا.

۹- هاشمی، سید عباس و امیر رسائیان، ۱۳۸۸. "بررسی عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، سال بیستم، شماره پیاپی ۵۱، صص. ۲۱۳-۱۸۷.

10- Barnea, Amir, Joshua Ronen and Smicha sadan. (1976) "Classificatory Smoothing of Income With Extraordinary Items", The Accounting Review, Vol.56, PP. 110-122.

11- Beidleman, C.R. (1973), "Income Smoothing:

- 1- Copland
- 2- Stolowy and Gaetan
- 3- Beidleman
- 4- Barnea and et al
- 5- Michelson

- 6- Heyworth
- 7- Michelson and et al
- 8- Bid-Ask Spread
- 9- Lesmond
- 10- Haw and et al

- 11- Diamond
- 12- Diamond and Verrecchia
- 13- Easley and Ohara
- 14- Hughes and et al
- 15- Bhattacharya and et al

پی‌نویس‌ها